



# کرمان، بهشت گیاهان دارویی

< سید محمدعلی گلایزاده  
رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه کرمان  
و مدیر مرکز کرمان شناسی



از جمله ارزش‌های این استان، رویشگاه‌های گیاهان دارویی است تا آنجا که وجه تسمیه «کوه هزار» را وجود هزار نوع گیاه معطر و دارویی دانسته‌اند، گیاهانی که «زیره» معروف کرمان، نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. منابع تحقیقاتی نشان می‌دهد که نه تنها بیش از صدسال پیش، تجار ایرانی، در شهرهای کشمیر، پترزبورگ، لندن و هنگ‌کنگ تجارتخانه‌هایی دایر کرده بودند، بلکه صدها سال پیش از آن سران کشورهای بزرگ جهان و نامداران عرصه سیاست و اقتصاد، آرزوی داشتن مقداری از گیاهان دارویی کرمان را در سر می‌پروراندند. «پلینی همچنین از تعدادی گیاهان دارویی یاد می‌کند که پلوتمی<sup>۲</sup>، فرماندار یونانی مصر پس از اسکندر نمونه‌هایی از آنها را از کرمان به مصر برده و در آنجا پرورش داده است. نوشته‌های مورخین و جغرافی‌نویسان یونانی و رومی مملو از تحسین فرآورده‌های کانی و گیاهی کرمان می‌باشد. در این تواریخ از کرمان به‌عنوان سرزمینی خودمختار، در فدراسیون شاهنشاهی هخامنشی، اشکانی و ساسانی یاد شده و اهمیت اقتصادی و سیاسی‌اش

کرمان، سرزمینی که شکنج چهره‌اش رد پای همه روزگاران است، نامی آشنا و دیاری پیشگام به شمار می‌رود، آن‌گونه که گوئی خداوند گل آن را به عنایت ویژه خویش آغشته و در برخی موارد، ویژگی‌هایی به آن مرحمت فرموده که در کمتر سرزمینی همانندش را می‌توان یافت، خطه‌ای که با ذخایری چون مس و آهن و انواع سنگ‌ها، به‌ویژه ذغال سنگ، بهشت معادن لقب گرفته، خرمای جنوبش، کام جهانی را شیرین کرده، زمین‌های حاصل‌خیز جیرفت و کهنوج، لقب هند ایران را به خود اختصاص داده، قالی و گلیم و پته و سایر دست‌آفریده‌هایش، زیب و زیور کاخ‌هاست و ... در این میان گیاهان دارویی آن، در بعضی انواع، بی‌نظیر و در برخی موارد، کم‌نظیر است.

ویکاندر، دانشمند آلمانی معتقد است که «از سه هزار نوع گیاه طبی که در دائره‌المعارف داروشناسی فرانسه از آن‌ها نام برده شده دو هزار نوع آن، گیاهانی است که در آغاز در ایران به خاصیت طبی آن‌ها پی بردند و قسمت زیادی از آن‌ها جزو گیاهان بومی ایران است.»<sup>۱</sup>

کوهستان‌های بافت و رابر. ساردوئی و مناطق گرمسیری جیرفت و کهنوج و بم همگی به‌طور طبیعی دارای گونه‌های مختلف گیاهان دارویی بوده و نیز جای مناسبی برای کاشت انواع دیگر گیاهان دارویی و صنعتی می‌باشد.

اهمیت گیاهان دارویی از این جهت است که در تمامی طول زندگی انسان، از هزاران سال پیش تا امروز، همواره نقشی مهم و ارزشمند ایفا کرده و پیوندی ناگسستنی با زندگی آدمی داشته است. برای روشن شدن موضوع، به ذکر خاطره‌ای می‌پردازم که خالی از لطف نیست. شبی با شادروان دکتر باستانی پاریزی و دکتر محمدحسن صالحی کرمانی در محفلی مأنوس بودیم. دکتر صالحی که همسرش مبتلا به سرطان بود، گلایه می‌کرد که هر عدد آمپول موردنیاز همسر، بیش از هفتصد هزار تومان قیمت دارد و تهیه و خرید آن با دشواری‌هایی همراه است. در این موقع استاد باستانی پاریزی گفت، خدا را شکر کن که مثل من این آمپول را چهار میلیون تومان نخریدی و بعد نقل کرد که: همسر من نیز مثل بانوی شما به سرطان مبتلا شد، پزشک ۴ عدد از این آمپول برایش تجویز کرد، به داروخانه مراجعه کردم، گفتند ۱۶ میلیون تومان می‌شود، چاره‌ای نداشتیم، با کیفی از پول به داروخانه رفتم و آمپول‌ها را خریدم، بعد، نامه‌ای به وزیر بهداشت و درمان نوشتم که:

آقای وزیر، در روزگار گذشته، پادشاهی دختری داشت که دلبسته پدر بود، این دختر بیمار شد و هر طبیبی بر بالین او آوردند کاری از پیش نبرد، پادشاه فراخوان داد که هر کس دختر مرا درمان کند ۵۰۰ دینار به او جایزه می‌دهم. طبیبی از شهر دیگری به آنجا آمد، به یکی از عطاری‌ها مراجعه کرد، مقداری گیاهان دارویی خرید، سپس معجونی درست کرد و برای دختر فرستاد تا هر روز مقداری از آن بخورد، به همین نحو اقدام شد و پس از چند روز دختر بهبود پیدا کرد. پزشک نزد پادشاه رفت و گفت «الوعده وفا» پادشاه نگاهی به او انداخت و گفت، آقای طبیب، براساس قولی که داده‌ام، پانصد دینار را تقدیم می‌کنم، اما شما فکر نمی‌کنی برای تهیه مقداری گیاه دارویی از عطاری شهر ما و با آن معجونی درست کردن، پانصد دینار، رقم زیادی است؟ طبیب گفت: پادشاه، من پول علم خود را از شما نمی‌گیرم، بلکه بهای جهل شما را دریافت می‌کنم، چون اگر شما می‌توانستید، چرا خودتان این کار را نکردید؟ پادشاه پذیرفت و آن وجه را به طبیب پرداخت.

باستانی پاریزی در اینجا نفسی تازه کرد و گفت: در ادامه این نامه نوشتم: حالا آقای وزیر درست است که ما بهای جهل خود را می‌پردازیم، اما راستی فکر نمی‌کنید این رقم برای من معلّم کمرشکن است؟ دفعه بعد که به داروخانه مراجعه کردم، دیدم به دستور وزیر این دارو در لیست بیمه درآمده و به هشتصد هزار تومان کاهش پیدا کرده است. باری منظورم از بیان این خاطره، عنایت به همین بخش پایانی استاد باستانی پاریزی بود و نقشی که گیاهان دارویی در گذشته داشتند و امروز نیز از همان آمپول گرفته تا بقیه داروهای دیگر، همه و همه از همین گیاهان کوه‌های هزار خودمان و سایر جاهای دیگر درست می‌شوند، گیاهان ارزشمندی که آن را به ثمن بخش می‌خرند و داروهای ساخته‌شده از آن را به هر بهایی که دوست داشته باشند، به خودمان می‌فروشند، ای کاش روزی بتوانیم از آن همه نعمت خداداد بهره ببریم و تمامی داروهای موردنیازمان را تهیه و تأمین کنیم. ●

با سرزمین‌هایی چون پارس، هند، عربستان، مصر و سرزمین‌های بزرگ دیگر مقایسه گردیده است.<sup>۳</sup>

زیره: کیست که زیره کرمان را نشناسد و یک‌بار هم که شده عطر این گیاه، شامه‌اش را نوازش نداده باشد. تا سال ۱۹۶۰ ایران مقام اول صادرات زیره را دارا بود، اما بعدها به دلیل کاهش نزولات و عوامل دیگر، میزان برداشت و صادرات آن کاهش یافت. زیره معروف کرمان که زمینه‌ساز ضرب‌المثل «زیره به کرمان بردن» شده است، زیره سیاه کوهی است، اما در جوار آن کاشت زیره سبز نیز در برخی شهرستان‌ها ازجمله زرنند صورت می‌گیرد.

لازم به ذکر است که بیشترین زیره از شهرستان بافت و ملحقات گذشته‌اش گزارش شده است.

حنا: ازجمله محصولات خاص نواحی گرمسیر استان - مانند شهداد - حنا است که از دیرباز مصارف مختلف بهداشتی و درمانی داشته است، زیرا علاوه بر اینکه از آن برای رنگ کردن مو و دست و ناخن و محاسن و سفت کردن پوست دست استفاده می‌شود، گاهی برای ضدعفونی موی سر و التیام زخم‌های چرکی نیز به‌کار می‌رود، عده‌ای با مخلوط سدر و حنا بدن خود را شست‌وشو داده و معتقدند پوست آن‌ها جوان و تازه می‌ماند.

یزدی‌ها حنای کرمان را به شهر خود برده و در آنجا آن را «مازاری» کرده و به مصرف داخلی و صادرات می‌رسانند تا آنجا که یکی از کوچه‌های معروف این شهر «کوچه حنا» است.

اهمیت حنای کرمان تا آنجا بود که معین‌التجّار کرمانی در نامه‌ای می‌نویسد: «تجارت کرمان منحصر است به ملحوج - شال - تریاک - حنا و کورک...»<sup>۴</sup>

چارلز عیسوی در مورد محصول حنای کرمان می‌نویسد: «معروف است در این دوره [اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم] منطقه کرمان نه تنها در ایران بلکه در تمام خاورمیانه و خاور نزدیک تنها منطقه تولید حنا به شمار می‌رفت. مواد خام آن به‌صورت برگه‌ای خشک‌شده به یزد فرستاده می‌شد که در سال ۸- ۱۹۰۷ میلادی در آنجا حدود ۶۰ کارگاه برای این منظور ایجاد کرده بودند.»<sup>۵</sup>

حنا علاوه بر کرمان در خوزستان نیز به دست می‌آید. حنا پس از کاشت تا حدود هفت سال و سالانه دوبار درو می‌شود. درو این نوع محصول که به نام حنای «قوس» و «گرما» مشهور است زمانی انجام می‌شود که رشد ساقه آن به حدود یک متر و نیم رسیده و به‌صورت درختچه درآمده باشد. پس از درو و خرمن کردن، چوب‌های آن را که «سعنا» نام دارد و بی‌شباهت به نعنای خشک‌شده نیست، برداشت و در گذشته، داخل کیسه‌های پنجاه شصت کیلویی می‌کردند و به یزد می‌فرستادند تا پس از سائیدن و انجام مازاری به شهرهای مختلف و کشورهای گوناگون فرستاده شود.

علاوه بر این گیاهان دارویی دیگری در کرمان می‌روید، ازجمله ریواس، گل‌گاوزبان، رازیانه، شیرین‌بیان، کتیرا، گل بنفشه، شیرخشت، انقوزه، کنگر، زرشک و سقز، گز انگبین شهداد و کاکوتی. لازم به ذکر است که شهرستان کهنوج از نظر برداشت سدر و حنا در مرتبه نخست قرار دارد. به دلیل اقلیم متفاوت آب و هوایی در استان کرمان تنوع گونه‌های گیاهان دارویی بی‌نظیر است از دشت گرم شهداد تا کویر و

۳. ماهری، محمودرضا، (۱۳۷۹)، تمدن‌های نخستین کرمان، کرمان: انتشارات مرکز کرمان شناسی، چاپ اول، ص ۱۶، ۴. نامه ذی‌قعدة ۱۳۱۰ اسناد امین الضرب (۱۳۸۴)، کرمان در اسناد امین الضرب، به کوشش، رنگس، بیدام و برج افشار، تهران: انتشارات ثابا، چاپ اول، ص ۱۱۳، ۵. عسوی، جان، (۱۳۸۸)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گسترده، چاپ سوم، ص ۴۶۴.